

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهش

به نام خدا

نشر اخلاق پژوهش

بیاری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش پژوهش و نظریه‌ایست جایگاه دانشگاه در  
اعتمادی فرهنگ و تمدن بشری مادی‌نشیمن و اخصنای بیست علمی واحد‌های دانشگاه آزاد اسلامی متهمدی کردیم اصول زیر را در انجام فعالیت‌های پژوهشی مد نظر قرار داده و  
از آن سخن می‌کنیم:

- ۱- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه‌ای و اعلام موضع نسبت به کسانی حوزه علم و پژوهش را به‌شائبه‌های غیر علمی می‌آیند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب‌داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج و دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم با و حرمت با در انجام تحقیقات و رعایت جانب‌تقد و خودداری از هرگونه حرمت‌شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران، پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمانها و کشور و کلیه افراد و نهاد‌های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت‌جویی: تلاش در راستای پی‌جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان‌سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.



**دانشگاه آزاد اسلامی**

**واحد تهران مرکزی**

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و حقوق اسلامی**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)**

**گرایش: فقه و حقوق اسلامی**

## **عنوان:**

بررسی فقهی و حقوقی اهداء اعضاء حیاتی محکومین به اعدام  
و افراد مبتلا به مرگ مغزی به افراد نیازمند

## **استاد راهنما:**

دکتر مجید وزیری

## **استاد مشاور:**

دکتر زهرا فهرستی

## **پژوهشگر:**

فاطمه بیتانام

**زمستان ۱۳۹۲**

تقدیم به پیشگاه دردانه، مستی امام مهدی (عج)

باشکر از اساتید کرامی

وقدردانی از، بمسرم

وسپاس از فرزندانم حمید

که در این راه مریاری دادند

## تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب فاطمه بیتانام دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۰۰۷۴۶۵۹۵ در رشته فقه و حقوق اسلامی که در تاریخ ۹۲/۱۱/۱۵ از پایان نامه خود تحت عنوان: بررسی فقهی و حقوقی

اهداء اعضای حیاتی محکومین به اعدام و افراد مبتلا به مرگ مغزی به افراد نیازمند

با کسب نمره ۱۸ و درجه بسیارخوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در موارد که دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام .

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۲/۱۱/۱۵

دانشجوی کارشناسی ارشد فاطمه بیتانام از پایان نامه دفاع نموده و با

نمره ۱۸ بحروف هجده و با درجه بسیارخوب مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
	فصل اول: کلیات
۴.....	بخش اول : طرح تحقیق
۴.....	بیان مسئله
۵.....	سوالات تحقیق و فرضیه های آن
۵.....	اهداف، انگیزه و ضرورت تحقیق
۶.....	پیشینه تحقیق
۶.....	شیوه کار و تنگناها
۷.....	ساختار تحقیق
۸.....	بخش دوم: واژه شناسی
۸.....	مرگ از دیدگاه اسلام
۱۲.....	مرگ مغزی
۱۲.....	مراحل حیات
۱۳.....	اهداء عضو
۱۳.....	اعدام
	فصل دوم: اهداء اعضاء حیاتی افراد مبتلا به مرگ مغزی به افراد نیازمند
۱۶.....	بخش اول: مغز و مرگ مغزی
۱۶.....	گفتار اول: مغز
۱۷.....	گفتار دوم: مرگ مغزی
۱۸.....	بخش دوم: ملاک تشخیص مرگ
۲۰.....	بخش سوم: مرگ مغزی در ترازوی نقد فقهی
۲۱.....	گفتار اول: مرگ مغزی از منظر فقیهان
۲۲.....	گفتار دوم: فرض زنده بودن فرد مبتلا به مرگ مغزی
۲۲.....	گفتار سوم: تلقی مرده بودن فرد دچار شده به مرگ مغزی

گفتار چهارم: داوری و بیان دیدگاه برگزیده	۲۳
بخش چهارم: اهداء عضو	۲۵
گفتار اول: اشکال گوناگون اهداء عضو	۲۷
گفتار دوم: روش های کسب رضایت برای اهداء عضو	۳۰
گفتار سوم: تعهد به واگذاری اعضا بعد از مرگ و طرح ایرادها	۳۱
گفتار چهارم: پاسخ گویی به ایراد های واگذاری اعضا بعد از مرگ	۳۱
گفتار پنجم: شرایط و محدودیت های اهداء عضو	۳۲
گفتار ششم: ضرورت موافقت ولی میت از دیدگاه اهل سنت و مجامع فقهی	۳۳
بخش پنجم: پیوند اعضا	۳۵
گفتار اول: دیدگاه زیستی مورد توجه در علم پزشکی	۳۵
گفتار دوم: دیدگاه فقهی در مورد پیوند اعضا	۳۶
گفتار سوم: دیدگاه فقهای اهل سنت و مجامع فقهی در خصوص انتقال اعضا میت	۳۷
بخش ششم: بررسی حقوقی مرگ مغزی	۳۹
گفتار اول: وضعیت قانونی مرگ مغزی در ایران	۳۹
گفتار دوم: مروری بر قانون پیوند اعضا	۳۹
گفتار سوم: دیدگاه حقوقی پیوند اعضا مردگان مغزی	۴۰
گفتار چهارم: موافقت ولی میت در انتقال اعضا در حقوق داخلی ایران	۴۲
بخش هفتم: بررسی محاسن قانون پیوند اعضا	۴۵
فصل سوم: اهداء اعضای حیاتی محکومین به اعدام به افراد نیازمند	
بخش اول: اعدام	۴۹
اعدام در لغت	۴۹
تعاریف اعدام	۵۰
بخش دوم: تاریخچه مجازات اعدام	۵۱
گفتار اول: بررسی مجازات اعدام در ایران قدیم تا پایان حکومت قاجار	۵۲
۱-بابل	۵۲
۲-آشور	۵۳
۳-پارس	۵۳
الف) هخامنشیان	۵۳



۵۴	ب- ساسانیان .....
۵۵	ج- صفویه .....
۵۵	د- قاجاریه .....
۵۶	گفتار دوم: بررسی مجازات اعدام در اروپا قبل و بعد از رنسانس .....
۵۷	الف : اروپا- قبل از رنسانس .....
۵۷	ب: اروپا- پس از رنسانس .....
۵۸	بخش سوم: مجازات اعدام در ادیان مختلف الهی و آسمانی .....
۵۹	۱-دین یهود .....
۶۰	۲-مسیحیت .....
۶۰	۳-دین زرتشت .....
۶۱	۴-اسلام .....
۶۲	بخش چهارم: جایگاه اعدام در مکاتب حقوقی .....
۶۲	گفتار اول: مکتب کلاسیک .....
۶۳	ژان ژاک روسو .....
۶۳	بکاریا .....
۶۴	رژمی بنتام .....
۶۵	گفتار دوم: نظریه سزادهی و اصالت فایده .....
۶۶	الف-دیدگاه سزادهی .....
۶۶	ب-دیدگاه اصالت فایده .....
۶۸	بخش پنجم: مجازات اعدام به عنوان حکم حکومتی .....
۷۱	بخش ششم: جرایم تعزیری مستوجب اعدام در قوانین جزایی ایران .....
۷۲	بخش هفتم: اجرای اعدام و ابزار مدرن .....
۷۲	گفتار اول: تحول اجرای مجازات اعدام .....
۷۵	گفتار دوم: نقش ابزار جدید در اجرای اعدام .....
	فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهاد
۸۴	ضمائم .....
۹۶	منابع .....

## چکیده

در این پژوهش با استعانت از خداوند و در پناه حضرت ولیعصر (عج) موضوع اهدای اعضای حیاتی افراد مبتلا به مرگ مغزی و افراد محکوم به اعدام مورد بررسی قرار گرفته است.

واگذاری اعضای بدن شخص مبتلا به مرگ مغزی در قالب وصیت متوفا و اجازه وی قبل از مرگ میسر می‌باشد و در صورت نبود وصیت و اجازه، با اجازه اولیا و وراثت برای ضرورت حفظ حیات مسلمان زنده دیگر مقدور می‌باشد. این موضوع استفتاء گردید، و مراجع اجازه فرموده‌اند و در مجلس شورای اسلامی نیز ماده واحده‌ای تدوین گردیده و تصویب شده است که از لحاظ فقهی و حقوقی منعی برای اهدا و پیوند اعضای حیاتی مبتلایان به مرگ مغزی به افراد نیازمند نیست.

در مورد محکومین به اعدام نیز استفتاء گردیده است و بعضی از مراجع اجازه فرموده‌اند. اما تعدادی از مراجع با توجه به ضرورت حفظ حیات مسلمان زنده دیگر و همچنین فرد محکوم باید بر مبنای قوانین حقوقی و اسلامی به مجازات اعدام برسند، و در اسلام مقرر گردیده که محکوم حین اعدام نباید زجر بکشد و باید سریع به مجازات برسد و در حالیکه اعضا حیاتی آنها منابع بزرگ انسانی محسوب می‌شوند و می‌توان از آنها به نحو شایسته استفاده شود و حداقل چند نفر به حیات خویش ادامه دهند و منشا خیر گردند، و با توجه به این موارد پیشنهاد داده می‌شود به جای اشکال مختلف اعدام از اهدای اعضا استفاده شود و اجازه استفاده از اعضا حیاتی آنها داده شود. امیدواریم با توجه به این استفتائات مجلس شورای اسلامی نیز در این مورد قانونی را مصوب فرمائید.

کلیدواژه‌ها: مرگ مغزی-اعدام-اهدای اعضا-پیوند اعضا

## مقدمه

اهداء عضو حیاتی پس از مرگ مغزی و اعدام موضوع اصلی مورد توجه در پژوهش حاضر است. اهداء عضو نوعی کنش اجتماعی است که بر اساس تصمیم و رضایت فرد در زمان حیات وی و همچنین بر اساس رضایت خانواده وی در زمان مرگ مغزی و با بخشیدن آن به یک فرد نیازمند تحقق می پذیرد. مهم ترین مسئله در بررسی پیوند اعضا، نحوه فراهم آوری اعضا حیاتی پیوندی است. یکی از راه های تامین اعضا حیاتی برای بیماران نیازمند، استفاده از اعضا سالم مبتلایان به مرگ مغزی است. زیرا این دسته از بیماران علیرغم از دست دادن اعمال حیاتی، دارای جریان خون متعادل در اندام های خود مانند کبد، ریه ها، قلب و ... هستند که می توان این اعضا را در اختیار بیماران نیازمند قرار داد.

و در مورد فرد محکوم به اعدام نیز چون این افراد باید به مجازات اعدام برسند و حتماً باید مرگ را دریابند ما پیشنهاد می دهیم که کیفیت اعدام تغییر یابد.

به جای طناب دار یا تیراندازی (صندلی الکتریکی، اتاق گاز و... در خارج) یا هر حالت دیگر که منجر به اعدام فرد و مرگ او می شود، از حالت اهدا استفاده شود، تا با مرگ فرد محکوم حداقل چند نفر به حیات برگردند همانطور که در آیه قرآن داریم که (نجات یک فرد نجات بشریت است) از این آیه می توان برداشت نمود که نجات جان انسان بسیار مهم است .

پس امیدواریم که با طرح این موضوع و پیگیری و اثبات آن بتوان قدمی خیر برداریم.

# فصل اول: کلیات

## بخش اول : طرح تحقیق

### بیان مسئله

با استعانت از خداوند متعال در این پژوهش به دنبال طرح تحقیق در مورد اهدا اعضای حیاتی افراد مبتلا به مرگ مغزی و افراد محکوم به اعدام هستیم.

چون در جامعه بسیار افرادی هستند که به دلایل مختلف مبتلا به بیماری های شدید قلبی - ریوی کبدی و کلیوی می باشند و از این بیماریها رنج بسیار می کشند و گاهاً بقدری بیماری پیشرفته است که امکان از دست دادن جان و زندگی نیز می رود.

اما اگر قلب یا ریه یا کبد بیمار آنها تعویض شود امکان بهبود و سلامت آنها درصد فوق العاده بالایی پیش می رود.

و این را نیز می دانیم که از فرد زنده نمی توان قلب یا ریه یا کبد دریافت نمود زیرا با اهدا این اعضا مرگ فرد حتمی است.

پس فقط می توان از افرادی که قید حیات ندارند دریافت نمود.

فردی که از لحاظ مغزی و قلبی و سلولی و بافتی مرده باشد نیز نمی تواند اهدا کننده باشد.

پس در این صورت امید ما به افرادی است که از ناحیه قلب - ریه - کبد هنوز زندگی درک می شود و این فقط شامل حال افرادی است که از ناحیه مغز مبتلا به مرگ شده اند و دیگر نمی توان آنها را به زندگی بازگرداند زیرا زنده بودن قلب و ریه و کبد آنها چند دقیقه یا چند ساعت و یا بوسیله دستگاه های حیات بخش حفظ می شود، از این سونیز افرادی در اثر سانحه و تصادف مبتلا به مرگ مغزی می شوند و درحاضر امکان بازگشت به زندگی آنها هرگز میسر نیست و اگر اعضا و بدن آنها به همین صورت رها شود و از آنها استفاده بهینه نشود منابع بزرگ انسانی از دست داده می شود.

## سوالات تحقیق و فرضیه های آن

۱- آیا فرد محکوم، ولی دم، قاضی و حاکم شرع باید اجازه و رضایت بدهند؟ بعد از خواست و رضایت محکوم، حکم قاضی یا حاکم شرع نیاز است و در مورد قصاص، اولیاء دم نیز باید اجازه بدهند.

۲- آیا برداشتن اعضا حیاتی فرد محکوم به اعدام مجازات او محسوب می شود یا نه؟ چون اعدام موضوعیت دارد نه طریقه آن، پس برداشتن اعضا حیاتی فرد محکوم به اعدام مجازات او محسوب می شود.

۳- آیا می توان اعضا حیاتی فرد مبتلا به مرگ مغزی را اهدا نمود؟ بدون هیچ اشکال، نجات دادن نفس محترم از مرگ واجب است و دلیل آن قبل از هر چیز حکم عقل است، چون عقل به تنهایی قطع به لزوم نجات و حفظ نفس محترم دارد. حکم عقل عملی است و با ضمیمه تلازم بین حکم عقل و شرع، وجوب نجات و حفظ نفس محترم از نظر شرع به دلیل عقل ثابت می شود.

۴- در مورد فرد مبتلا به مرگ مغزی رضایت چه کسانی لازم است؟ طبق فتاوی مراجع عظام و قانون مجلس شورای اسلامی باید وصیت فرد مبتلا یا داشتن کارت اهدا و یا در صورت فقدان وصیت یا کارت اهدا باید اذن اولیای فرد برای اهداء اعضا وجود داشته باشد.

## اهداف، انگیزه و ضرورت تحقیق

اهداف این پژوهش و نگارش، بررسی فقهی حقوقی حکم برداشت اعضا حیاتی از فرد مبتلا به مرگ مغزی و شخص محکوم به اعدام است و انگیزه نیز نجات جان افرادی که به دلیل بیماری با مشکلات عدیده مواجه هستند ولی با گرفتن عضو پیوندی مشکلات آن ها حل می شود.

به دلیل وجود بیماران قلبی تنفسی بسیار و در عین حال وجود هزاران نفر که به دلایل مختلفی دچار ضایعه غیر قابل بازگشت مغزی می شوند ضرورت تحقیق در مورد اهداء اعضای حیاتی آن ها را ایجاب می کند که امیدوارم خداوند در این راه توفیق دهد.

## پیشینه تحقیق

در مورد افراد مبتلا به مرگ مغزی تحقیق های فراوانی شده و پایان نامه و مقالات زیادی نوشته و ارائه گردیده است.

از جمله پیوند اعضای مبتلایان به مرگ مغزی مقاله ای است که توسط خانم پژوهشگر سرور هاشمی نگاشته شده است (ندای صادق شماره ۲۵ و ۲۶)

پردازشی به مرگ مغزی از نگاه فقه و حقوق توسط آقای حمید ستوده به آن پرداخته شده است (فقه اهل بیت شماره ۶۸)

بررسی فقهی و تحقیقی اهدا اعضا مبتلایان به مرگ مغزی که توسط خانم طباطبایی نگاشته شده است (پایان نامه خانم طباطبایی سال ۸۱)

اما نگارنده تا جایی که تتبع کرده است در مورد افراد محکوم به اعدام هیچگونه تحقیق یا پژوهش یا کتابی یا مقاله ای دریافت یا پیدا ننموده و از این نظر پژوهش و تحقیق با تنگنا مواجه گردید.

## شیوه کار و تنگناها

نگارنده در این پایان نامه از شیوه مطالعه پایان نامه ها و مقالات و تحقیقات استفاده کرده و به مراکز مانند کتابخانه دانشگاه - کتابخانه مجلس - کتابخانه ملی - جستجو در اینترنت و رجوع به پژوهشگاه اطلاعات و فناوری ایران نموده است و بعد از جمع آوری مطالب به تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها و طبقه بندی آنها پرداخته است. در این جا لازم است از زحمات دوستان که در این مورد زحمات زیادی کشیده و اثرات ارزشمندی از خود یادگار گذاشته اند قدر دانی شود.

اما متأسفانه در مورد اهدا اعضای حیاتی محکومین اعدام هیچگونه پایان نامه یا مقاله یا تحقیقی یافت نشد اما در مورد مطالبی که جنبه مبنایی یا مقدماتی برای بحث محکومین اعدام داشت مانند اعدام و کیفیت آن دو پایان نامه مورد مطالعه قرار گرفت و مطالب لازم اخذ و استفاده گردید.

## ساختار تحقیق

این پایان نامه شامل چهار فصل می باشد. فصل اول شامل دو بخش می باشد.

فصل دوم شامل هفت بخش که بخش اول شامل دو گفتار و بخش سوم و ششم شامل چهار گفتار و

بخش چهارم شامل شش گفتار و بخش پنجم شامل سه گفتار است.

فصل سوم شامل هفت بخش می باشد که بخش دوم و چهارم و هفتم آن هر کدام شامل دو گفتار می

باشند. در خاتمه این پایان نامه ضمیمه قرار دارد که شامل استفتائات است.



## بخش دوم: واژه شناسی

در این بخش واژه های مورد استفاده، بررسی خواهد شد:

۱- مرگ

۲- مرگ مغزی

۳- مراحل حیات

۴- اهدای عضو

۵- اعدام

زندگی موهبت الهی است که با نفخ روح آغاز می شود و با خروج روح از بدن پایان می پذیرد. از این نعمت خداوند تمام مخلوقات خداوند به یک نسبت برخوردارند.

با توجه به اینکه موضوع جان انسان مطرح است و در آیه قرآن نیز داریم که نجات یک فرد نجات بشریت است،" (سوره مائده آیه ۳۲)

و مرگ مغزی از جمله مسائلی است که امروزه در جامعه پزشکی به خصوص در فقه پویای اسلامی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، به لحاظ برخورداری از تکنولوژی پیشرفته در دانش پزشکی برای بشر این امکان فراهم شده است که اندام اشخاص را که دچار مرگ مغزی شده اند قبل از بروز علایم عرفی مرگ، از بدن آنها جدا و به بدن بیماران نیازمند پیوند بزنند.

## مرگ از دیدگاه اسلام

«مرگ از منظر قرآن کریم و روایات»

قرآن کریم در آیات بسیاری از دو پدیده حیات و مرگ که عجیب ترین پدیده های عالم آفرینش هستند سخن به بیان آورده است.

الذی خلق الموت و الحیوة (سوره ملک آیه ۲)

آن که خلق کرد مردن و زندگی را

ربی الذی یحیی و یمیت (سوره بقره آیه ۲۵۸)

پرور دگارمن آن است که زنده می کند و میمیراند .

مرگ از نظر قرآن کریم امری وجودی و عبور و انتقال از جهانی به جهان دیگر است لذا در بسیاری از آیات قرآن از مرگ تعبیر به توفی شده که به معنی بازگرفتن و دریافت روح از تن بوسیله فرشتگان است.

روحي که اساسی ترین بخش وجودی انسان را تشکیل می دهد و شخصیت واقعی انسان محسوب می شود.

آیات مربوط به موت را در قرآن کریم از ابعاد مختلفی می توان بررسی کرد ولی آنچه مطلوب بحث است چگونگی وقوع مرگ آدمی و زمان مرگ اوست.

لذا جهت بیان و معرفی ماهیت و حقیقت مرگ از دیدگاه قرآن کریم به ذکر آیاتی می پردازیم:  
و هو الذی یتوفیکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه لیقضی اجل مسمی ثم الیه مرجعکم ... (سوره انعام آیه ۶۰)

و اوست که متوفی می کند شما را بشب و میداند آنچه کسب کردید بروز پس بر می انگیزاند شما را در روز تا تمام کرده شود اجل نام برده شده پس به سوی اوست بازگشت شما...

الله یتوفی الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت و یرسل الاخری الی اجل مسمی ان فی ذلک لایت لقوم یتفکرون (سوره زمر آیه ۴۲)

خدا قبض می کند روحها را وقت مردنش و آن که نمرده است در خوابش، پس نگاه می دارد آن را که گزارش داد بر آن مرگ را و می فرستد دیگری را تا وقتی که نامبرده شد، بدرستیکه در آن هر آینه آیت هاست برای گروهی که فکر می کنند.

فلولا اذا بلغت الحلقوم - (سوره واقعه آیه ۸۳) پس وقتیکه می رسد جان به حنجره

ترجعونها ان کنتم صادقین (سوره واقعه آیه ۸۷) برگردانیدش اگر راستگوها هستید

کلا اذا بلغت الترقی (سوره قیامت آیه ۲۶) نه چنین است چون برسد به چنبرها گردن جان

کل نفس ذائقة الموت ثم الینا ترجعون (سوره عنکبوت آیه ۵۷)

هر نفسی چشنده مرگ است پس به سوی ما بازگردانیده می شوید

یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه (سوره فجر آیه ۲۸ و ۲۹)

ای نفس آرمیده / بازگرد به سوی پروردگارت خشنود و پسندیده

در این آیات به نکاتی چند در خصوص چگونگی وقوع مرگ اشاره شده است نظیر مسئله نفس یا روح و خروج آن از بدن، متوکلان مرگ، رابطه مرگ و خواب حالت ظالمان هنگام مرگ، برخی حالات و نشانه های مرگ ...

با دقت در این آیات روشن می شود که از مفهوم موت و حقیقت مرگ در قرآن کریم با عنوان "توفی" یاد شده است و آن عبارت است از اخذ تام، قبض و گرفتن کامل روح یا نفس از بدن به طوری که ارسال و بازگشت مجدد روح به بدن یا تن آدمی وجود نداشته باشد. لذا مرگ هنگامی به وقوع می پیوندد که مفارقت و جدایی روح یا نفس از بدن به نحو بازگشت ناپذیر و دائم رخ دهد.

بدین معنا که برای همیشه اتصال روح با بدن که به صورت تدبیر و تصرف روح در بدن بوده است قطع شود. نشانه این انقطاع کامل و دائم، نبود حیات و آثار آن خواهد بود که در چنین حالتی آنچه می میرد و مضمحل و فانی می شود بدن یا تن است. (طباطبایی - تفسیر المیزان ۱۳۹۰ هـ - ج ۱۴ - ص ۲۸۶) ولیکن لحظه انقطاع کامل روح از بدن جزء امور نامحسوس و غیر منصوص است و از آیات و تفاسیر تاکنون مطلبی فهمیده نشده است. حضرت علی (ع) به همین مطلب در ذکر ملک الموت و توفی نفس اشاره کرده اند که در آن به عجز آدمی از بیان چگونگی قبض روح توسط ملک الموت و توفی افراد تصریح شده است (نهج البلاغه خطبه ۱۱۲ ص ۱۱۰)

یکی از مشخصات حیات که در محدوده علوم تجربی نیست و نظریات تکاملی هرگز درباره آن سخن نگفته اند وجود روح در موجودات زنده است.

از آیات و روایات استفاده می شود که حیات در انسان با نفخ روح آغاز می شود و مرگ با جداشدن روح از بدن واقع می گردد.

در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: «هر کس می خوابد نفس او به آسمان صعود می کند و روح در بدنش می ماند و در میان این دو ارتباطی همچون پرتو آفتاب است. هرگاه خداوند فرمان قبض روح

آدمی را صادر کند روح دعوت نفس را اجابت می کند و به سوی او پرواز می کند و زمانی که خداوند اجازه بازگشت روح را بدهد نفس دعوت روح را اجابت می کند و به بدن باز می گردد .

خداوند می فرماید: «الله یتوفی الا نفس حین موتها (س زمر آیه ۴۲)

خدا وقت مردن روح ها را قبض می کند.

بدن به منزله آلات و ادواتی برای نفس است که بوسیله آن اعمال مادی خود را انجام می دهد

(مجلسی - کتاب بحارالانوار جلد ۱۰ و ۵۸ صفحه ۲۷ و ۱۲۱)

و در این میان مغز و قلب دارای اساسی ترین نقش است . به هر حال، انسان موجودی است که از دو بعد مادی و غیر مادی "جسم و روح" ترکیب شده است.

درباره چگونگی این ترکیب دو نظر وجود دارد:

نظریه اول: اینکه حقیقت انسان همان جوهر ملکوتی و بعد روحانی اوست و بدن تنها به منزله آلت و وسیله ای برای آن به حساب می آید . بنابراین روح موجودی نیست که در عالم ماده ساکن باشد بلکه حقیقتی است که به بدن تعلق دارد ، تعلق از روی تدبیر و تصرف .

نظریه دوم: روح زمانی که به بدن تعلق می گیرد و با آن متحد می شود، نفس عین بدن و بدن عین نفس است و از اتحاد آنها انسان به وجود می آید و صرف نظر از چگونگی ارتباط میان روح و جسم، بنابراین اعتقادات ما مسلمانان حیات انسانی با تعلق گرفتن روح به بدن حاصل می شود.

در تعدادی از روایات برای نفخ روح زمان خاصی تعیین شده است مانند کامل شدن چهار ماه تمام ، در برخی از روایات بعضی از علایم جسمانی را نشان روح داشتن معرفی می کنند مانند: حرکت ، گریه (طوسی - تهذیب - انتشارات بی تا )

باز شدن چشم و گوش (کلینی کافی جلد ۳ ص ۱۳۴)

برخلاف حیات که می توان برای آغاز آن زمانی را مشخص کرد ، برای مرگ نمی توان چنین کاری را انجام داد ، گرچه ما نمی دانیم چه زمانی روح از پیکر انسان مفارقت می کند و دیگر تعلق به آن ندارد، ولی در کلمات خاندان عصمت علیهم السلام علایم و نشانه هایی ظاهری برای انفصال روح از بدن و تحقق مرگ ذکر شده است، نظیر فساد بدن (طبرسی ، الاحتجاج ج ۳ ص ۱۳۴)